

گروه «زنان نگران برای امریکا» در گزارشی منتشر کرد

نفوذ ایدئولوژی‌های جنسی به بهانه بازسازی آثار کلاسیک نوستانزیک کودکان

انتشار گزارش تحلیلی گروه «زنان نگران برای امریکا» (CWA)، پرده از تغییرات ساختاری در محتوای خردسالان پلنفرم نتفلیکس برداشت.

به گزارش خبرگزاری دانشجو، بر اساس این داده‌ها، بیش از ۴۰ درصد از برنامه‌های کودک این شبکه اکنون حاوی مضامین و شخصیت‌های مرتبط با اقلیت‌های جنسی (LGBTQ+) هستند؛ آماري که نشان‌دهنده یک چرخش استراتژیک از «سرگرمی خالص» به سمت «آموزش‌های جنسیتی» در بازسازی آثار کلاسیک و نوستانزیک است. در حالی که والدین در سراسر جهان به طور سنتی پلنفرم‌های پخش محتوا را فضایی امن برای سرگرمی فرزندان خود می‌دانستند، گزارش‌های جدید گروه «زنان نگران برای امریکا» (CWA) حاکی از آن است که مرزهای میان محتوای بزرگسال و کودک در بزرگ‌ترین سرویس استریم جهان، به سرعت در حال فروپاشی است.

نتفلیکس که سال‌ها پیشرو در عرصه نوآوری رسانه‌ای بود، اکنون در مرکز یک بحران فرهنگی عمیق قرار گرفته است.

تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند این پلنفرم با بازتعریف فرآیندهای محبوبی همچون «توبوس مدرسه جادویی» و «پاور رنجرز» مسیر را پیش گرفته است که منتقدان آن را «ایدئولوژی‌زنی در مهد کودک» می‌نامند. این گزارش نه تنها به حضور فیزیکی شخصیت‌ها، بلکه به تغییر بنیادین روایت‌ها و گنجانیدن مفاهیم پیچیده‌ای نظیر «هویت جنسیتی» و «ترنس جندریسم» در برنامه‌هایی اشاره دارد که مخاطب هدف آنها، خردسالانی هستند که هنوز درک اولیه‌ای از مفاهیم بیولوژیک ندارند. این روند، نتفلیکس را با چالش‌های دوسویه روبه‌رو کرده است: اصرار بر استراتژی شمول‌گرای (Inclusion) از یک سو و ریزش اعتماد خانواده‌ها به عنوان ستون اصلی مشترک از سوی دیگر.



نتفلیکس به طور رسمی اعلام کرده هدفش بازتاب دادن تنوع جهانی در داستان‌هایش است، با این حال، این استراتژی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است: پروژه روشنائی (Inclusion Benchmarks): نتفلیکس از اولین استودیوهایی بود که گزارش‌های سالانه داوطلبانه درباره میزان حضور اقلیت‌ها در جلوه‌ها و پشت‌دوربین منتشر کرد. طبق گزارش‌های داخلی، آنها متعهد شده‌اند در صد حضور شخصیت‌های LGBTQ+ را فراتر از میانگین آماری جامعه (حدود ۷ تا ۱۰ درصد تخمین زده می‌شود) ببرند.

واکنش سازار: در بحران تصور، این رویکرد همیشه به سودآوری ختم نشده است. در سال‌های اخیر، برخی پروژه‌های پر هزینه با این مضامین (مانند انیمیشن Q-Force) با استقبال بسیار ضعیف روبه‌رو و به سرعت لغو شدند.

گزارش «زنان نگران برای امریکا» به درستی روی بازسازی‌ها دست گذاشته است. این یک تاکتیک تجاری است: استفاده از نام‌های آشنا برای والدین (مثل توت‌فرنگی کوچولو) جهت معرفی مفاهیم جدید به کودکان.

تغییر رده‌بندی سنسنتی: در برخی موارد، نتفلیکس متهم شده است که با استفاده از انیمیشن‌های رنگارنگ، محتوایی را که از نظر روان‌شناسی برای نوجوانان (۱۰-۱۴) مناسب است، در دسته‌بندی کودکان (۷+)

قرار می‌دهد. **نمونه‌های جدی تر:** در سریال End Normal: Park Paranormal، انیمیشن Nimona، موضوع هویت جنسیتی دیگر یک زیرمتن نیست، بلکه موتور محرک اصلی داستان است.

علاوه بر گزارش‌های محافظه‌کاران، نهادهای لیبرال مانند GLAAD نیز آمارهایی منتشر می‌کنند که تأییدکننده این روند است: طبق گزارش «Where We Are» نتفلیکس برای چندین سال متوالی رتبه اول را در تعداد شخصیت‌های LGBTQ+ در میان تمام پلنفرم‌های پخش آنلاین داشته است.

این تمرکز باعث شده است در بازارهای منطقه‌کارتر (مانند خاورمیانه، شمال آفریقا و بخش‌هایی از آسیا)، نتفلیکس با هشداری قانونی و حتی خطر فیلترینگ یا حذف محتوا روبه‌رو شود.

نویسنده کتاب «شماره ۸۸۸» با توضیح در مورد ایده‌ها، چالش‌ها و تجربیات خود از خلق این رمان می‌گوید: طنز می‌تواند مخاطبان بیشتری جذب کند. نکته دیگر اینکه مخاطب می‌خندد و سپس به فکر فرو می‌رود. آثار تراژیک گاه مخاطب را به گریه می‌اندازند، اما پس از مدت کوتاهی فراموش می‌شوند، در حالی که آثار کمدی و طنز، با ایجاد خنده و تأمل، در موقعیت‌های مشابه در ذهن مخاطب تداعی می‌شوند.

رمان «شماره ۸۸۸» به نویسندگی حمید بابایی اولین رمان طنز اسارت در ایران است که ماجرای فرار یک اسپر ایرانی را از اردوگاه عراقی‌ها در قالب طنز بیان می‌کند. این کتاب که به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده شیوه‌ای نو در پرداختن به روایت رزمنده‌ها به زبان طنز است. بابایی در پاسخ به این پرسش که چرا قالب طنز را برای روایت یک ماجرای اسارت انتخاب کرده، گفت: «جذابیت این قالب برای من در این است که با آن می‌توان بسیاری از حرف‌ها را زد و صحبت‌ها را مطرح کرد بدون اینکه کسی آزرده خاطر شود، هر چند در کشور ما واقعیت این است که بسیاری از افراد از هر موضوعی ممکن است ناراحت شوند. ماجرای اسارت ذاتاً بسیار تلخ و رنج‌آور است، سال‌ها دوری از وطن، شکنجه، آزار و سوءتغذیه، اما در دل این روایت تلخ، لحظات بامزه و شیرینی نیز اتفاق افتاده است که به اعتقاد من قابل جمع‌آوری و استفاده در قالب داستان بود.» نویسنده «شماره ۸۸۸» به یک انگیزه شخصی دیگر نیز اشاره کرد و افزود: «در رمان قاچ، به نوعی می‌دانستم که به شماره ۸۸۸ خواهم رسید و رمان دوم با موضوع اسارت شکل خواهد گرفت، بنابراین علاقه داشتم این کار را انجام دهم. نکته دیگری که مرا وسوسه کرد، نبود نمونه‌ای از یک رمان طنز با موضوع اسارت بود.»

گفتن پایان در ابتدا
در مورد انتخاب شروع داستان از پایان ماجرا، بابایی با تأکید بر سبک همیشگی خود گفت: «این شیوه‌ای است که در تمام داستان‌هایم به کار می‌برم، ابتدا و انتهای ماجرا را بیان می‌کنم. در پیاده گفتم اینها به سربازی می‌روند، در خاک سفید ماجرای اکبر را گفتم، در خمره داستان غول را روایت کردم و در شماره ۸۸۸ نیز به این مسئله اشاره کردم که چنین اتفاقی برای ما افتاده است.» وی دلیل این کار را چنین تبیین کرد: «آنچه برای من اهمیت دارد این است که مخاطب داستان را بی‌هدف دنبال نکند. وقتی پایان کار را در ابتدا می‌گویم، در واقع به مخاطب اعلام می‌کنم به دنبال تعلیق‌های کاذب نباشد، بلکه باید به دنبال موقعیت جذاب بگردد. این شیوه روایت را خاص می‌کند و البته به همان میزان، روایت را دشوارتر می‌سازد، زیرا مخاطب با دانستن پایان ماجرا ممکن است انگیزه خود را برای دنبال کردن داستان از دست بدهد، با این حال، من همواره به این شگرد علاقه داشته‌ام.»

تجسمی

ماه مبارک رمضان، فرصتی برای هنرمندان است تا با نگاهی انسان‌گرایانه و زیبایی‌شناسانه به خلق آثار هنری بپردازند. ماه رمضان از دیرباز برای هنرمندان فرصتی بوده تا در نورنماه‌های «عزلت، تزکیه، روشنائی و مکاشفه» بدر آثار خود بروز دهند. این ماه، تجلی نوعی بازگشت به خود است و همین روح تأمل‌برانگیز در نقاشی، نگارگری، خوشنویسی و عکاسی نمود پیدا کرده است. در این گزارش به آثاری که هنرمندان در مواجهه با ماه مبارک رمضان نه‌فقط از منظر دینی، بلکه با نگاهی زیبایی‌شناسانه، انسان‌گرایانه و درونی خلق کرده‌اند، می‌پردازیم. در عرصه نقاشی، بسیاری از هنرمندان با بهره‌گیری از رنگ‌های آرام و طیف‌های طلایی و فیروزه‌ای، فضایی از سکون و معنویت را تصویر کرده‌اند. نمونه‌های شاخصی این نوع، تابلوهای انتزاعی از آرامش و رحمت الهی که نور کم‌رنگ سپیده و شفق افقار را با ترکیب‌های نرم و گرم نمایش می‌دهند، هستند. استفاده از خط‌های اسلامی و اشکال هندسی برای بیان هماهنگی میان عبادت، نظم و وحدت درونی، از دیگر آثار این فضا است.

الهام معنوی در نقاشی با استفاده از رنگ
برخی آثار معاصر، ماه رمضان را نه فقط آیین، بلکه تجربه‌ای عرفانی می‌دانند، مثلاً در آثار نقاشانی چون سهراب سپهری و حسین زنده‌رود، سادگی و خلوت رنگ‌ها تداعی‌کننده سکوت درونی روزه‌دار است.

خوشنویسی، تجلی ذکر و کلام الهی
در خوشنویسی اسلامی، رمضان بستری برای خلق آثار مبتنی بر آیات مربوط به روزه، شب قدر و رحمت الهی بوده است. هنرمندان با تکیه بر ترکیب «نور و قلم» به نوعی تعبیر بصری از مفهوم ذکر و پیوند انسان با خدا دست یافته‌اند. آثار خوشنویسان معاصر اغلب نمایانگر مراقبت در نوشتن، نظم در حرکت قلم و تکرار ذکر در فرم هستند، گویی خود عمل خوشنویسی نوعی عبادت است، به این معنی که این موضوع بر جنبه درونی و مراقبه‌گون خوشنویسی در هنر اسلامی، به‌ویژه در ماه رمضان، تأکید دارد. در واقع، بسیاری از خوشنویسان معاصر نه فقط به دنبال زیبایی بصری، بلکه در پی تجربه روحانی از خودفرایند نوشتن هستند.

گزارش مرتضی فاطمی‌بیا



نمای نزدیک

آنچه برای من اهمیت دارد این است که مخاطب داستان را بی‌هدف دنبال نکند. وقتی پایان کار را در ابتدا می‌گویم، در واقع به مخاطب اعلام می‌کنم به دنبال تعلیق‌های کاذب نباشد، بلکه باید به دنبال موقعیت جذاب بگردد. این شیوه روایت را خاص می‌کند و البته به همان میزان، روایت را دشوارتر می‌سازد، زیرا مخاطب با دانستن پایان ماجرا ممکن است انگیزه خود را برای دنبال کردن داستان از دست بدهد، با این حال، من همواره به این شگرد علاقه داشته‌ام

ریمت تند و جذاب
بابایی درباره جذابیت کتاب برای نوجوانان گفت: «به نظر من طنز می‌تواند برای نوجوان امروزی بسیار مفید باشد. نوجوان امروز، به ویژه در موضوعاتی مانند جنگ، دفاع مقدس و اسارت، به دنبال انسان‌های معمولی است و می‌خواهد از آن ابرقهرمان‌بازی‌های اغراق‌آمیز که در برخی روایت‌ها دیده می‌شوند، در حالی که آثار کمدی دیگر در روایت و داستان، ریمت است. این اثر از ریمت تند و جذابی برخوردار است که مخاطب نوجوان نیز می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند.» در پاسخ به این پرسش که شخصیت اصلی، تعارض اخلاقی فرار را با توجه به دیدگاه خود سبب و بعد فرار کرد، برای من جذاب بود. او پس از بازگشت به کشور با مشکلات جدی مواجه شد و خودش می‌گفت که در جریان بازجویی‌ها، آندقر خسته شده بود که آرزو می‌کرد کاش به اسارت بازمی‌گشت و از فرار کردن ششمان بود. این موقعیت از نظر من بسیار بامزه و طنزآمیز بود.» نویسنده درباره حفظ تعادل بین تعلیق و شوخی توضیح داد: «برخلاف تصور بسیاری، داستان درون نیز منطقی خود را دارد، منتها این منطق در فرم متن جاری است. آن‌جا که نمی‌خواستم اثر را بر عتق از شوخی‌های رایج کلامی کنم و قصد داشتم موقعیت طنز خلق کنم، به این مسئله به طور کامل اندیشیدم که داستان را باید از ساختاری درست و منسجم برخوردار باشد، به همین دلیل بخش‌های تعلیقی ماجرا و سایر عناصر داستانی، اکلاً در جای خود قرار دارند.»

موقعیت باور نگر دنی، شخصیت معمولی
نویسنده درباره باورناپذیری روایتش توضیح داد: «می‌دانستم که مخاطب بخشی از این باورناپذیری را به واسطه طنز اثر می‌پذیرد. رابطه شخصیت با پدرش و موقعیت‌های عجیبی که اتفاق افتاده، بستری فراهم کرد تا بتوانم با این مسئله که همه چیز در جهان حساب و کتابی عجیب دارد، شوخی کنم، به همین دلیل ماجرا را آگاهانه عجیب و غریب ساختم.» او در توصیف شخصیت اصلی افزود: «شخصیت اصلی داستان شباهت‌هایی به خود من دارد، در موقعیت‌های بحرانی خنده‌دام می‌گیرد. این شخصیت، قهرمان کلاسیک و ابرقهرمانی نیست، بلکه انسانی کاملاً معمولی است، کمی ترسو، کمی خالی‌پند و اهل افراق، اما در ادامه مشخص می‌شود که این گونه نیست. به نظر می‌رسد مخاطبان نیز به دلیل همین ویژگی‌ها، او را پذیرفته‌اند، آدمی شبیه خودمان.»

تلفیق طنز و تراژدی
بابایی درباره تلفیق طنز و فضای تلخ اسارت معتقد بود: «قه نظر می‌رسد هر وجه تراژیک، وجه طنزی نیز دارد. گفته‌اند وقتی ترازادی به انتها می‌رسد، کمدی آغاز می‌شود. احساس کردم اتفاقاتی که گاهی برای اسرا رخ می‌داده و جنبه‌های شوخی و فکاهی داشته، قابل استفاده در کار است.» او درباره استفاده از خاطرات واقعی اسرا

نویسنده کتاب «شماره ۸۸۸» اولین رمان طنز اسارت در ایران:

طنز می‌تواند تلخی روایت‌های اسارت را تحمل‌پذیر کند

را ارائه می‌دهم و ایشان می‌گویند بنویس. وقتی نیازمند امکانات یا بودجه هستم، در اختیارم قرار می‌گیرد. با این شرایط، من با خیال راحت می‌نشینم و می‌نویسم.» او این همکاری را با تجربه‌ای دیگر مقایسه کرد: «با ناشر دیگری نیز همکاری داشتم که به من سفارش کار دادند، اما پس از نوشتن، کار را رد کردند. چنین اتفاقاتی برای هر نویسنده‌ای ناراحت‌کننده است، اما وقتی با ناشری حرف‌های مواجه هستید که به ماجرا نگاه تخصصی دارد، با آرامش خاطر کار خود را انجام می‌دهید. اعتماد میان نویسنده و ناشر، عامل اصلی این آرامش است.»

آینده ژانر طنز اسارت در ایران
نویسنده درباره ظرفیت این ژانر باطمینان گفت: «به نظر من در حوزه اسارت کار چندانی انجام نشده است. آنچه تاکنون دیده‌ام بیشتر روایت‌های شفاهی بوده است. در حوزه رمان‌نویسی جنگ، بسیار کار داریم و می‌توانیم بنویسیم. اسارت به مثابه دریاست و ظرفیت‌های فراوانی دارد. بدون تصارف، در ژانر طنز نیز می‌توان ده‌ها اثر دیگر خلق کرد. من خودم ایده یک رمان طنز دیگر با موضوع اسارت را دارم که موضوع آن نیز درباره اسراست. رویدادهای عجیب و غریب بسیاری برای ما اتفاق افتاده که می‌تواند دستمایه کار قرار گیرد.»

بابایی اظهار داشت: «خود را در جایگاهی نمی‌بینم که آثارم را با غول‌های ادبیات جهان مقایسه کنم. چنین مقایسه‌های خنده‌دار است. باید زمان بگذرد تا جایگاه خود را در ایران و میزان پذیرش مخاطبان مشخص کنم. در جایگاه فعلی ادبیات ایران، به نظر می‌رسد شماره ۸۸۸ می‌تواند مسیر را برای نویسنده‌گانی که می‌خواهند در حوزه اسارت رمان بنویسند، بگشاید.» او در تبیین اهمیت رمان افزود: «مان، خاطره را به یک مسئله گفتمانی تبدیل می‌کند. رمان به آینده نگاه دارد، در حالی که خاطرات به گذشته تعلق دارند. خاطرات، ثبت حسی گذشته هستند، اما رمان جهانی نو می‌سازد و برای مخاطب ماندگارتر است.» حمید بابایی درباره تأثیر گذاری طنز نسبت به آثار تراژیک توضیح داد: «طنز می‌تواند مخاطبان بیشتری جذب کند. نکته دیگر اینکه مخاطب می‌خندد و سپس به فکر فرو می‌رود. تأثیرگذاری آنی نیست. آثار تراژیک گاه مخاطب را سه‌گرمی می‌اندازند، اما پس از مدت کوتاهی فراموش می‌شوند، در حالی که آثار کمدی و طنز، با ایجاد خنده و تأمل، در موقعیت‌های مشابه در ذهن مخاطب تداعی می‌شوند.» او به نمونه‌ای از چارلی چاپلین اشاره کرد: «آثار چاپلین نمونه‌های شاهکاری از این تأثیرگذاری هستند. هر سار که صحنه‌ای از فیلم‌های او را می‌بینم، پیامش در ذهن تداعی می‌شود. برای مثال، در فیلم دیکتاتور بزرگ، شوخی‌های او با دیکتاتور، چنان ماندگار شده است که هر گاه خوشبختان کتاب را کنار بگذارم، اینگونه بگویم یاد آن صحنه‌ها می‌افتد.» بابایی در پایان گفت: «به دنبال القای پیام خاصی نیستم، اما دوست دارم خواننده وقتی کتاب را می‌بندد، لبخندی بر لب داشته باشد و احساس خوشبختی کند.» بابایی در ترکیب با «خوش‌گذشت» یا «نویسنده بامزه‌ای بود.» آنچه برای من اهمیت دارد، همین حس خوب و خوشایند در پایان مطالعه است و چیز دیگری برایم مهم نیست.»

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)
ریمت تند و جذاب بابایی درباره جذابیت کتاب برای نوجوانان گفت: «به نظر من طنز می‌تواند برای نوجوان امروزی بسیار مفید باشد. نوجوان امروز، به ویژه در موضوعاتی مانند جنگ، دفاع مقدس و اسارت، به دنبال انسان‌های معمولی است و می‌خواهد از آن ابرقهرمان‌بازی‌های اغراق‌آمیز که در برخی روایت‌ها دیده می‌شوند، در حالی که آثار کمدی دیگر در روایت و داستان، ریمت است. این اثر از ریمت تند و جذابی برخوردار است که مخاطب نوجوان نیز می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند.» در پاسخ به این پرسش که شخصیت اصلی، تعارض اخلاقی فرار را با توجه به دیدگاه خود سبب و بعد فرار کرد، برای من جذاب بود. او پس از بازگشت به کشور با مشکلات جدی مواجه شد و خودش می‌گفت که در جریان بازجویی‌ها، آندقر خسته شده بود که آرزو می‌کرد کاش به اسارت بازمی‌گشت و از فرار کردن ششمان بود. این موقعیت از نظر من بسیار بامزه و طنزآمیز بود.» نویسنده درباره حفظ تعادل بین تعلیق و شوخی توضیح داد: «برخلاف تصور بسیاری، داستان درون نیز منطقی خود را دارد، منتها این منطق در فرم متن جاری است. آن‌جا که نمی‌خواستم اثر را بر عتق از شوخی‌های رایج کلامی کنم و قصد داشتم موقعیت طنز خلق کنم، به این مسئله به طور کامل اندیشیدم که داستان را باید از ساختاری درست و منسجم برخوردار باشد، به همین دلیل بخش‌های تعلیقی ماجرا و سایر عناصر داستانی، اکلاً در جای خود قرار دارند.»

روایت رمضان در هنر و نگارگری

جایی که کشف و شهود با «رنگ» معنا می‌شود



هنر عکاسی، لحظات جمعی و سکوت فردی
عکاسان در آثار خود به دو مورد توجه داشته‌اند، اول «سستندنگاری اجتماعی رمضان» که به سفره‌های افطار جمعی، کودکان در مساجد و تعاملات انسانی در فضای معنوی می‌پردازد. دوم، نگاه شاعرانه و درون‌گرا» که تمرکز بر نور شمع، سایه در محراب یا چهره آرام روزه‌دار در لحظه دارد. عا، نگاه شاعرانه و درون‌گرا که در عکس نمود پیدا می‌کند، بیشتر گرایش به «زیبایی‌شناسی سکوت» دارد؛ جایی که زمان کند می‌شود و حضور انسان در لحظه عبادت برجسته می‌شود. در سال‌های اخیر، جشنواره‌ها و مسابقات متعددی از سوی نهادهای وزارتخانه‌های مختلف با محوریت رمضان و با صرف هزینه‌های زیاد، رونق گرفته‌اند. مسابقاتی که سبب شد نگاه دقیق‌تری به عکاسی رمضان و سفره‌های افطاری در جامعه هنری ایجاد شود، سلسله مسابقات فرهنگی هنری عکاسی از «سفره‌های ایرانی -

اسلامی» به دبیری محمد صالح حجت‌الاسلامی بود که به بستری برای تلفیق هنر، فرهنگ و آیین‌های بومی رمضان تبدیل شد. ویژگی‌ها و اهداف این مسابقات که به چهار جمعی، کودکان در مساجد و تعاملات انسانی در فضای معنوی می‌پردازد. دوم، نگاه شاعرانه و درون‌گرا» که تمرکز بر نور شمع، سایه در محراب یا چهره آرام روزه‌دار در لحظه دارد. عا، نگاه شاعرانه و درون‌گرا که در عکس نمود پیدا می‌کند، بیشتر گرایش به «زیبایی‌شناسی سکوت» دارد؛ جایی که زمان کند می‌شود و حضور انسان در لحظه عبادت برجسته می‌شود. در سال‌های اخیر، جشنواره‌ها و مسابقات متعددی از سوی نهادهای وزارتخانه‌های مختلف با محوریت رمضان و با صرف هزینه‌های زیاد، رونق گرفته‌اند. مسابقاتی که سبب شد نگاه دقیق‌تری به عکاسی رمضان و سفره‌های افطاری در جامعه هنری ایجاد شود، سلسله مسابقات فرهنگی هنری عکاسی از «سفره‌های ایرانی -

ظرافت‌های بی‌بديل طرح و رنگ

در نگارگری رضائیان
نگارگری ایرانی، با قدمتی هزاران ساله یکی از غنی‌ترین مدیوم‌ها برای تجلی حال و هوای ماه رمضان است. این هنر بیشتر از آنکه صرفاً داستانتگو باشد، بیان‌کننده حال عرفانی است. در نگارگری رضائیان، هنرمندان با استفاده از ظرافت‌های بی‌بديل طرح و رنگ، فضاهایی از شبه‌های پر نور قدر، مجالس شب‌زنده‌داری یا خلوت عارفان را به تصویر می‌کشند. معمولاً استفاده از زمینه تیره یا شبانه که برای تأکید بر نورانی بودن درون و نور چراغ‌ها و شمع‌های مساجد و مجالس است و ترکیب با مفاهیم ادبیات عرفانی که صحنه‌هایی برگرفته از اشعار مولوی و حافظ و در آنها روزه و ریاضت، پلی به سوی حقیقت مطلق است، دیده می‌شود.

نگارگری رضائیان، لحظه‌های گذر زمان (افطار و سحر) را با قالبی ازلی و ابدی تبدیل می‌کند؛ جایی که رنگ‌ها و خطوط، خود به ابزاری برای مراقبه بصری تبدیل می‌شوند. در زمینه نگارگری ایرانی با موضوع ماه رمضان، آثار اصیل بسیاری با محوریت مضامین معنوی، دعاء، افطار و شب‌های قدر خلق شده‌اند، هرچند نمونه‌های مشخصی با عنوان مستقیم «ماه رمضان» کمتر دیده می‌شوند اما برخی نگاره‌ها از منظر معنا و فضا، ستایش خدا و عبادت دیده می‌شوند. در این گونه آثار معمولاً موضوعاتی چون شبه‌های از رویداد ایرانی-اسلامی یعنی سفره هفت‌سین، سفره افطار، سفرة حسینی یا نذری و سفره یلدا می‌پرداخت، حفظ هویت و سنت سفره‌های ایرانی، نمایش بعد اجتماعی و مهربانی (ثبت لحظات سساده اما پر معنا از افطارهای خانوادگی یا خیریه‌ها؛ جایی که اشتراک غذا مظهر صمیمیت و ایمان جمعی است)، تأکید بر خلایق و زیبایی‌شناسی و پیوند هنر با معنویت بود. به گفته طراح و دبیر جشنواره سفره‌های ایرانی-اسلامی، سفره افطاری یک سفره نمادین است که در آن بهانه اصلی جمع شدن انسان‌ها، خوردن نیست بلکه بهانه اصلی ارتباطات اجتماعی و مهر و صمیمیت و همدلی است که به نوعی با انتقال فرهنگ و تقویت روابط به تأکید بر اصول و عرف دینی نیز می‌پردازد.

رمضان به مثابه تجربه زیبایی و خلوص
ماه رمضان شاید بیش از هر ماه دیگری، هنرمند را وادار به «تأمل در سکوت و نور» می‌کند. این تأمل نه‌فقط محور دینی، بلکه محور «زیبایی‌شناختی» دارد؛ زیبایی فروتنی، در کاهش هیاهو، در بازگشت به درون، از همین‌رو آثار مرتبط با رمضان را می‌توان مکاشفه‌هایی هنری دانست که در مرز میان عبادت، خلوت و هنر شکل می‌گیرند.

خبرگزاری مهر